

# جلوه‌های عاشورا

در شعر کودک و نوجوان  
در دهه بعد انقلاب اسلامی ایران

■ رامین صادقی نژاد؛ استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر

■ فاطمه محمدی؛ کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر

تصویرسازی: میثم موسوی

## چکیده

بالای قهرمان و یار کوچک امام حسین (ع) شدن را داشتند و شدند اما به خاطر محدودیت آیین‌نامه‌ای صفحات مقاله و برای رعایت ایجاز و اختصار، فقط به تعدادی از برجسته‌ترین این شخصیت‌های بزرگوار اشاره شده است. روش تحقیق کتابخانه‌ای و هدف از این تحقیق نیز آشنا کردن کودکان و نوجوانان این مرز و بوم با ارزش‌های والای قیام شکوهمند امام حسین (ع) از خلال شعر شاعران کودک و نوجوان بعد از انقلاب اسلامی ایران بوده است.

**کلیدواژه‌ها:** امام حسین (ع)، حضرت زینب (س)، کربلا، عاشورا، شهدای کودک و نوجوان، انقلاب اسلامی ایران

## مقدمه

حسین بن علی، سبط گرامی رسول اکرم (ص) تولد، زندگی و شهادتش باعث تحولات و دگرگونی‌های عظیم در تاریخ بشریت بوده است. واقعه سترگ و هولناک عاشورا و نبرد میان حق و باطل، مسلمانان جهان را تا ابد عزاوار کرد و از طرفی باعث ایجاد روحیه آزادی‌خواهی و ظلم‌ستیزی در میان تمام آزادگان جهان شد. بعد از واقعه کربلا، نهضت حسینی و فرهنگ عاشورایی آن چنان در زندگی مسلمانان و به‌ویژه شیعیان تأثیرگذار افتاد که تمام انقلاب‌های بزرگ جهان، به‌ویژه انقلاب اسلامی ایران و جنگ هشت ساله ایران و عراق، به آن نهضت ماندگار تأسی هستند.

«واقعه عاشورای حسینی مهم‌ترین اثری بود که در دگرگونی ادب و شعر فارسی و عربی از خود باقی گذاشت که می‌توان آن را مبدأ رستاخیزی در ادبیات درخشان ایران و انبران دانست. شرح جزئیات این ایستادگی در راه حقیقت که انسان را بالاتر از فرشتگان و نزدیک‌تر به روح وحدانیت الهی قرار

فرهنگ عاشورا، بعد از واقعه کربلا به وجود آمده و تأثیر شگرفی در تاریخ و ادبیات ایران داشته است. ارزش‌ها و الگوهای طرح شده در این واقعه جاودانه تا حدی ارزشمند و والاست که شناساندن آن به نسل آینده‌ساز این مرز و بوم وظیفه و رسالت هر مسلمان شیعی است. شاعران ایران‌زمین همواره آموزه‌های شگرف این حادثه جریان‌ساز در تاریخ صدر اسلام را در شعر خود انعکاس داده‌اند. آشنایی کودکان و نوجوانان با این واقعه عظیم در قالب شعر و شناخت شاعران عاشورایی و اشعاری که درباره قهرمانان کودک و نوجوان کربلا سروده شده، لازمه ترویج فرهنگ ایثار و شهادت و جانبازی در راه ایمان و عقیده و جهاد است.

با مطالعه شعر کودک و نوجوان دهه‌های قبل و بعد انقلاب اسلامی ایران، که خود از قیام باشکوه امام حسین (ع) نشئت گرفته است، مشخص می‌شود که در شعر شاعران قبل از انقلاب اسلامی ایران، نهضت امام حسین (ع) و جلوه‌های آن جایگاه بایسته و شایسته‌ای ندارد، اما با شکل‌گیری جریان‌های انقلاب اسلامی ایران، شاعران کودک و نوجوان نیز همگام با دیگر شاعران متعهد این مرز و بوم با طرح جلوه‌های عاشورایی در شعر خود، به معرفی جلوه‌های بی‌مانند ایثار، شهادت و اخلاق شخصیت‌های حماسه عاشورا می‌پردازند. این مسئله را می‌توان وجه تمایز اساسی شعر کودک و نوجوان در دهه‌های قبل و بعد انقلاب اسلامی ایران تغییر کرد.

در این پژوهش، ضمن بررسی جایگاه قهرمانان بزرگسال عاشورا همانند امام حسین (ع) و حضرت عباس (ع) و حضرت زینب (س) و ... به جلوه‌هایی از ایثار و شهادت کودکان و نوجوانانی که در روز عاشورا حماسه‌ای بزرگ آفریده‌اند نیز اشاره شده است. هرچند در کربلا سی و یک کودک و نوجوان حضور داشتند و هرکدامشان به خوبی ظرفیت

ظهور انقلاب  
اسلامی از برکات  
حماسه حسینی  
بوده و یکی از  
اساسی‌ترین  
اهداف انقلاب  
اسلامی  
تداوم راه  
سیدالشهداست.  
با پیروزی انقلاب  
اسلامی، مجدداً  
موجی از ارزش‌ها  
و آرمان‌های  
مذهبی  
به‌ویژه ادبیات  
عاشورایی به  
شعر کودک و  
نوجوان راه یافت  
و شاعران، شعر  
و کلام خود را در  
خدمت آرمان‌ها  
و ارزش‌های  
انقلاب قرار  
دادند



رواج دادند و مصیبت شهدای کربلا را تازه می نمودند و بر منبرها ذکر مصائب اهل بیت می کردند ... ساختن مراستی اهل بیت و همچنین سرودن قصائد و اشعار در مناقب آنان از امور عادی شعر آیینی این زمان بوده است...» (صفا، ۱۳۶۷: ۱۹۵/۲)

از مظاهر شعر عاشورایی در این دوران اشعار «کسایی مروزی» است. پس از او می توان اشعار «سیف فرغانی» اشاره کرد. «سنائی غزنوی» در «حدیقه الحقیقه» خود نزدیک به هشتاد بیت در اشاره به امام حسین (ع) و واقعه کربلا سروده است. خاقانی شروانی، شاعر قصیده های سترگ، حسب حال خود را در تشبیهی از صحنه کربلا و عاشورا باز نموده و چنین شکوه سر داده است:

در همه شروان مرا حاصل نیامد نیم دوست  
دوست خود ناممکن است ای کاش بودی آشنا  
من حسین وقت و نااهلان یزید و شمر من  
روز گرام جمله عاشورا و شروان کربلا  
(خاقانی، ۱۳۷۸: ۲)

در دوره صفویه بارزترین و درخشان ترین سروده ها و مرثیه های ادبیات عاشورایی از «محتشم کاشانی» است. در دوره قاجار هم با منظومه های بزرگی مواجه می شویم که هنوز هم قدر و عظمت آن ها ناشناخته است. از آن جمله می توان به «گنجینه اسرار» از شاعر گرانمایه عصر صفوی «عمان سامانی» اشاره کرد. این گنجینه مجموعه ای بسیار کوچک لیکن شگرفی است که نگاهی زیبا و عارفانه به وقایع کربلا دارد. به عنوان نمونه، به ابیات زیر آن گاه که حضرت زینب (س)، لگام اسب حضرت اباعبدالله (ع) را می گیرد، نگاهی می افکنیم:

خواهرش بر سینه و بر سر زنان  
رفت تا گیرد برادر را عنان  
سیل اشکش بست بر شه راه را  
دود آهش کرد حیران شاه را  
در قفای شاه رفتی هر زمان  
بانگ مهلا مهلاش بر آسمان  
کای سوار سرگران کم کن شتاب  
جان من لختی سبک تر زن رکاب  
تا بیوسم آن رخ دلجوی تو  
تا ببویم آن شکنج موی تو  
شه سراپا گرم شوق و مست ناز  
گوشه چشمی به آن سو کرد باز

و شاعران، شعر و کلام خود را در خدمت آرمان ها و ارزش های انقلاب قرار دادند تا قهرمانان کربلا، این آشنایان ناشناخته، هر چند بهتر شناسانده شوند.

### پیشینه تاریخی ادبیات عاشورایی در ایران

ادبیات فارسی از همان دوران آغازین شکل گیری خود با باورها و پشتوانه دینی همراه بوده و دین و مذهب یکی از اصلی ترین دغدغه های شاعران و نویسندگان پاک نهاد ایرانی بوده است. «خدایاوری» بنمایه اصلی بخش نخست شاهنامه و حتی بخش های دیگر این اثر است که نشان از تعهد شاعر دارد:

به نام خداوند جان و خرد  
کزین برتر اندیشه برنگذرد  
خداوند نام و خداوند جای  
خداوند روزی ده رهنمای

(فردوسی، ج ۱، بیت ۱ و ۲)  
گرایش ایرانیان به مذهب تشیع از همان آغاز، باعث توجه ویژه شعرا به جنبه های مختلف دینی در شعر فارسی شد. شیعیان که در عهد آل بویه شروع به تظاهرات خود کرده بودند، از قرون پنجم و ششم بیش از پیش، بدین امور اهتمام ورزیدند. «چنان که در روز عاشورا رسم تعزیه را

می دهد، نه تنها در صدها کتاب بیان شده، بلکه در زنده ترین و جاودانه ترین اشعار فارسی ما در آمده ...» (رهنما، ۱۳۸۷: ۱)  
شاعران ایران زمین، همواره از آغاز تاکنون عشق و ارادت خود را به اهل بیت عصمت و طهارت (ع)، بیان داشته اند و از «کسایی مروزی» تا «شهریار» هر کدام به مناسبت هایی از آن واقعه بزرگ، سخن رانده اند. شعر ماندگار «خط خون» از «علی موسوی گرم رودی»، «روزی که برجام شفق مل کرد خورشید» از «علی معلم دامغانی» و «گنجشک و جبرئیل» از مرحوم «سیدحسن حسینی» از نمونه های معاصر این قبیل اشعارند. بعد از انقلاب اسلامی ایران، شاعرانی همانند «قیصر امین پور»، «جعفر ابراهیمی»، «افسانه شعبان نژاد»، «ناصر کشاورز»، «بیوک ملکی»، «مصطفی رحماندوست»، «افشین علاء» و ... اشعار مذهبی زیبایی در حوزه شعر ادبیات کودک و نوجوان با مضامین عاشورایی سروده اند. و توجه خاصی به واقعه کربلا داشته اند. ظهور انقلاب اسلامی از برکات حماسه حسینی بوده و یکی از اساسی ترین اهداف انقلاب اسلامی تداوم راه سیدالشهداست. با پیروزی انقلاب اسلامی، مجددا موجی از ارزش ها و آرمان های مذهبی به ویژه ادبیات عاشورایی به شعر کودک و نوجوان راه یافت



دید مشکین مویی از جنس زنان  
 بر فلک دستی و دستی بر عنان  
 زن مگو مرد آفرین روزگار  
 زن مگو بنت‌الجلال، اخت‌الوقار  
 زن مگو خاک درش نقش جبین  
 زن مگو دست خدا در آستین  
 باز دل بر عقل می‌گیرد عنان  
 اهل دل را آتش اندر جان زنان  
 می‌دراند پرده اهل راز را  
 می‌زند با ما مخالف ساز را  
 پنجه اندر جامه‌جان می‌برد  
 صبر و طاق را گریبان می‌برد  
 هر زمان هنگامه‌ای سر می‌کند  
 گر کنم منعی فزون‌تر می‌کند  
 اندر آن مطلب عنان از من گرفت  
 من از او گوش، او زبان از من گفت  
 می‌کند هستی به آواز بلند  
 کاین قدر در پرده مطلب تا به چند؟  
 سرخوش از صهبای آگاهی شدم  
 دیگر اینجا زینب‌اللهی شدم  
 مدعی گو کم کن این افسانه را  
 پند بی‌حاصل مده دیوانه را

(حداد، ۱۳۸۱: ۱۸۸)

در دوره مشروطه تحت‌تأثیر گرایش‌هایی که به سمت غرب پدیدار شده بود، بعضی نگرش‌های منفی نسبت به واقعه کربلا شکل می‌گیرد. شاید به این دلیل که نسل جدید فقط مظاهر بیرونی مبالغه‌آمیز عزاداری‌های هر دورا می‌بیند؛ لذا از فلسفه حقیقی آن غافل می‌ماند و آن را تخطئه می‌کند. نسل مذکور چون خود در کوران مبارزه است و مردم عامی را فقط سرگرم سینه‌زنی و عزاداری می‌بیند، بدان می‌تازد که نمونه‌های آن در آثار ایرج‌میرزا و میرزاده عشقی قابل مشاهده است.

به هر حال، به‌رغم دیدگاه‌های منفی در این دوره - که زیاد هم به طول نمی‌انجامد - سروده‌های ارزشمندی درباره‌ی عاشورا شکل می‌پذیرد اما در نهایت، دوره افت در ادبیات عاشورایی محسوب می‌شود. در عصر پهلوی اول و دوم، در این زمینه کار جدی انجام نشد اما همواره جریان شعر دینی در کنار سایر جریان‌های غیرمذهبی به حیات خود ادامه داده و منجر به آفرینش اشعار ارزشمند مذهبی شده است. اواخر عصر پهلوی شاعرانی نظیر «نعمت

میرزا زاده»، «علی موسوی گرماردی» و «جواد محدثی» و ... آثار زیبایی در زمینه ادبیات عاشورایی ارائه کردند. عصر انقلاب بنابر فرموده‌ی امام خمینی (ره) زمانی است که محرم و صفر زنده نگاه داشته می‌شود؛ زیرا «ما هر چه داریم از محرم و صفر است». شعر عاشورایی در این عصر هرچند در آغاز، ناپختگی‌هایی دارد اما کم‌کم به سمت کمال پیش می‌رود و اضلاع گم‌شده واقعه کربلا در آن اشعار جلوه‌گر می‌شوند. از نمونه‌های درخشان آن می‌توان به شعر علی معلم دامغانی، علی موسوی گرماردی، حسن حسینی، علیرضا قزوه، عبدالجبار کاکایی، قادر طهماسبی (فرید) و سعید بیابانکی اشاره کرد. در مورد پیشینه شعر عاشورا باید گفت: «شعر عاشورا در زبان فارسی قدمتی به دیرسالی شعر مکتوب دری دارد.» (مجاهدی، ۱۳۷۹: ۱۳۷)

شعر کودک و نوجوان در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب ایران متأثر از فضای انقلابی جامعه، بیشتر بر پایه مضامینی چون دین، مبارزه، ائمه اطهار (ع)، ستایش از شهیدان، استقلال طلبی، نفی ظلم، عاشورا و موضوعاتی از این دست می‌چرخد.

### تاریخ و منشأ عزاداری و گریه بر حسین (ع)

«... تاریخ و منشأ عزاداری و گریه بر امام حسین (ع) با توجه به احادیث و روایت فراوان قدمتی بس کهن دارد و به همان آغاز خلقت آدم برمی‌گردد. عزاداری و نوحه‌سرایی بر حسین (ع) را خداوند شروع نمود و برای آدم ابوالبشر و پیامبران دیگر ذکر مصیبت فرموده.» (شهرستانی، ۱۴۰۳: ۳)

روایاتی در مورد نحوه عزاداری و ذکر مصیبت پیامبران بر سبط پیامبر خاتم (ص) نقل شده است؛ برای مثال، آدم ابوالبشر (ع) هنگام تلقین کلمات و اسماء خمسۀ طیبه، نحوه نوح (ع) و ترس از غرقاب و توسل به خمسۀ طیبه، ابراهیم (ع) در موقع ذبح اسماعیل و حضرت زکریا و سلیمان و موسی و عیسی در مواردی ذکر مصیبت می‌کرده‌اند و باز از زمان حضرت رسول اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) تا زمان ما بوده و هست و روزبه‌روز بر وسعت و مجد و

عظمت آن افزوده می‌شود. حال به عزاداری چهارده معصوم (ع) در عزای امام حسین (ع) اشاره می‌شود. (حداد، ۱۳۸۱: ۶۸)

در جدول عزاداری چهارده معصوم (ع) را همراه با نشانی روایت در کتب حدیث و کتب عزای حسینی (ع) آورده‌ایم (ر.ک. شهرستانی، ۱۴۰۳: ۴).

### پیشینه شعر مذهبی و عاشورایی کودک و نوجوان

شعر کودک از همان ابتدای شکل‌گیری (که به بیش از یک قرن نمی‌رسد) همانند ادبیات بزرگسالان با پشتوانه‌های فرهنگی و مذهبی همراه بوده است. درون‌مایه‌های شعر شاعران کودکانه‌سرا که نشان از تمایل به دین‌باوری در فطرت پاک انسان می‌باشد، همان دین و مذهب بوده است. میزان بهره‌برداری شاعران از مقلوبه دین در اشعارشان متفاوت است اما شعر کودک این سرزمین، شعری دینی و مذهبی است و نمی‌توان این را انکار کرد. همانند شعر بزرگسال، «خدایاوری» از مضامین اصلی شعر کودک به‌شمار می‌آید. از جمله شاعران بزرگی که بیشتر به این مضمون پرداخته‌اند، «پروین دولت‌آبادی» صاحب مجموعه «بر قایق ابرها» است. او که از شاعران پیش‌کسوت قبل از انقلاب محسوب می‌شود، برای کودکان ایرانی شعرهای فراوانی سروده است. دولت‌آبادی در یکی از مثنوی‌هایش درباره خدا این‌گونه سروده است:

به مادر گفتم آخر این خدا کیست  
 که هم در خانه ما هست و هم نیست  
 تو گفتی مهربان‌تر از خدا نیست  
 دمی از بندگان خود جدا نیست  
 چرا هرگز نمی‌آید به خوابم  
 چرا هرگز نمی‌گوید جوابم  
 (دولت‌آبادی، ۱۳۷۳: ۱۱-۱۰)

تجلی عاشورا در شعر کودک قبل از انقلاب، سابقه چندانی ندارد و در بررسی آثار شاعران کودکانه‌سرای قبل از انقلاب همانند، کیانوش، یمینی‌شریف، دولت‌آبادی و باغچه‌بان، که از بزرگ‌ترین شاعران کودک قبل از انقلاب به‌شمار می‌آیند، «عاشورا» به‌طور اخص دیده نمی‌شود. اما در شعر شاعران بعد از انقلاب،

مضمون «عاشورا» جلوه‌های ویژه‌ای دارد که در این جستار بدان‌ها اشاره می‌شود.

## جلوه‌های عاشورا در شعر کودک و نوجوان

کربلا موضعی است در بریه از کوفه که به جهت واقعه‌ی عاشورا در آن مکان شهرت یافت. در لغت‌نامه‌ی دهخدا اصل این لفظ «کرب‌بلا» ذکر شده است که بآء اول آن را حذف کرده‌اند. خواجه‌ی کرمانی نیز در بیت زیر به نوعی به این معنی پرداخته‌است:

یارب به حق آن گل سیراب تشنه لب  
کاو را نصیب کرب و بلا شد به کربلا

(خواجه‌ی کرمانی، ۱۳۶۹: ۴۰۳)  
این نام از کلیدواژه‌هایی است که شعر عاشورایی کودک فراوان دیده می‌شود. بسیاری از شاعران کودک از این کلمه استفاده کرده‌اند و در اشعارشان با زبانی کودکانه و قابل فهم، وقایع آن را برای کودکان به تصویر کشیده‌اند. قیصر امین‌پور در منظومه «ظهر روز دهم» غوغای کربلا را به تصویر می‌کشد:

روز عاشوراست / کربلا غوغاست / کربلا  
آن روز غوغا بود / عشق تنها بود / آتش سوز  
و عطش بر دشت می‌بارید / در بادهای  
سرخ / بوته‌های خار می‌لرزید / از عرق  
پیشانی خورشید تر می‌شد / دم به دم بر  
ریگ‌های داغ / سایه‌ها کوتاه‌تر می‌شد /  
سایه‌ها را اندک اندک / ریگ‌های تشنه  
می‌نوشید / زیر نور آتش خورشید / آهن و  
فولاد می‌جوشید / تیغ را ناگه فرود آورد / و  
سواران را از روی زمین / بر زمین انداخت /  
لرزه‌ای در قلب‌های آهنین انداخت.  
(امین‌پور، ۱۳۷۳: ۶)

امین‌پور که در سرایش این منظومه به تأثیر عنصر روایت و داستان‌گونه‌ی شعر عمیقاً معتقد است؛ سعی کرده با فضا سازی مناسب و ترسیم جزئیات حادثه‌ی کربلا را در شعر خود برای مخاطب کودک به خوبی نمایانگر سازد.

جعفر ابراهیمی، از شاعران خوب پس از انقلاب، در کتاب «فصل خون مهتاب» از رسیدن کاروان امام حسین(ع) به دشت نینوا که نام دیگر کربلاست و تشنه‌کام بودن زمین کربلا سخن رانده است:

کاروان کربلا در راه بود  
کاروان سالار آن‌ها ماه بود  
کاروان آمد به دشت نینوا  
ناگهان آمد سپاهی بی‌هوا  
ناگهان بارید از هر سو بلا  
بر زمین تشنه‌کام کربلا

(ابراهیمی، ۱۳۷۸: ۷-۸)  
بیوک ملکی از شاعران خوب کودک و نوجوان در شعر «ماهیان تشنه» کربلا را این‌گونه توصیف می‌کند:

کربلا از برق شمشیر  
چون کویری پر ستاره  
روی خاک داغ و تشنه  
ماهیانی پاره پاره  
یک‌صد فریاد کردند  
ما همه هستیم با هم

(ملکی، ۱۳۷۷: ۳۰)  
در این نمونه‌ها، کربلا به زبانی ساده و با استفاده از صفات و تشبیهات حسی قابل تجسم برای کودکان توصیف شده است. شاعرانی نظیر مصطفی رحماندوست، ملیحه مهرپور، محمد کاظم مزینانی، علی‌اصغر نصرتی و حمید هنرجو از جمله شاعرانی‌اند که در اشعارشان می‌توان به این مضامین دست یافت.

## عاشورا

شاخص‌ترین و اصلی‌ترین کلمات و ترکیباتی که به‌طور مسلم بدون ذکر آن‌ها امکان مضمون‌سازی در این دسته از اشعار مقدور نیست، واژگان «عاشورا»، «شب عاشورا» یا «روز عاشورا» هستند:

زنگ اول، معلم تاریخ  
گفت باید کتاب‌ها را بست  
درس تاریخ ما از این ساعت  
درس پیکار و درس ایثار است  
درس ما درس «روز عاشوراست»  
درس پیکار با پلیدان است  
درس پرواز سوی آزادی است  
درس جانبازی شهیدان است

(همان: ۲۵)  
بیوک ملکی در این شعر تلاش کرده است برای مخاطبان خود که دانش‌آموزان دبستانی هستند، محیطی آشنا و ملموس بیافریند. معلم درس تاریخ به‌جای مطالب کتاب، ترجیح می‌دهد از درس‌های عاشورا

سخن بگوید و بدین طریق پیام‌های عاشورا را به مخاطب کودک منتقل نماید. علی‌اصغر نصرتی در یکی از شعرهایش واقعه‌ی ظهر روز

عاشورا را این‌گونه نشان می‌دهد:  
ظهر است و صف بلند دشمن  
ظهر است و حسین و آفتاب است

در خیمه‌ی این امیر تنها  
مانند همیشه قحط آب است  
ظهر است و هجوم ابر غربت  
بر گرد حرم کبوتری نیست  
آن‌ها همه رفته‌اند و دیگر  
عباس و علی اکبری نیست

(حداد، ۱۳۷۷: ۲۵۱)  
همان‌طور که ملاحظه می‌شود، «حسین(ع) و ظهر عاشورا»، کلیدی‌ترین کلمات در این اشعار هستند.

جعفر ابراهیمی در «فصل خون و مهتاب» در مورد صحنه‌های کربلا چنین می‌گوید:

این همان خاک مصیبت‌های ماست  
کربلا زیباترین فردای ماست  
کیست آیا عشق را یاری کند  
با خدای عشق دیداری کند  
صبح فردا ما بهشتی می‌شویم  
از مسیر نور بالا می‌رویم  
ظهر فردا عشق معنی می‌شود  
روح ما پیش پیامبر می‌رود

یک تن بی سر در آغوش من است  
ماتمی چون کوه بر دوش من است  
ای گل زیبای من پرپر شدی  
ای حسین من چرا بی‌سر شدی  
ای فدای آن لبان تشنه‌ات  
من فدای این تن پر دشنه‌ات  
بی تو دیگر تا ابد خواهم گریست  
بی تو دیگر بر لبم لبخند نیست  
ای برادر، بی تو ماندن سخت شد  
رفت هر کس در پی‌ات خوشبخت شد

(ابراهیمی، ۱۳۷۸: ۴۱)  
ابراهیمی در ابیات مذکور به زیبایی تمام به تفسیر ندای «هل من ناصر ینصرنی» امام حسین(ع) و زبان حال حضرت زینب(س) پرداخته است.

## امام حسین(ع)

کسی است که فرشتگان هنگامی که فقط یک سال از عمر شریف او می‌گذشت، سرنوشتش را به پیامبر اسلام(ص) اعلام کردند:



«ای محمد، به زودی بر فرزندت حسین همان ستمی نازل خواهد شد که از ناحیه قابیل بر هابیل وارد شد و خداوند مثل اجر هابیل به حسین خواهد داد ... و همه فرشتگان مقرب بر پیامبر تسلیت گفتند.» (طاووس، ۲۱:۱۳۸۵)

امام حسین(ع) شخصیتی است که در واقعه کربلا به عنوان محور اصلی نقش آفرینی کرده است. یکی از اولویت‌های شاعران کودک، بیان مظلومیت و حقانیت این امام بزرگوار می‌باشد. آن‌ها با به چالش کشیدن ذهن کودکان سعی بر آن دارند که پاکی و مهربانی و اندوه دین را در وجود امام حسین(ع)، هر چه ملموس‌تر بنمایانند. جعفر ابراهیمی در شعر «خورشید بر خاک» از حضرت امام حسین(ع) این گونه یاد می‌کند:

«یاران خود را یک به یک / با مهربانی  
بیاد کرد / با نام پُر مهر خدا / باغ دلش را  
شاد کرد ... پیچیده در گوش زمین / فریاد  
غمناک حسین / بارید تیر از هر طرف / بر  
پیکر پاک حسین / جاری شد اشک آسمان /  
بر روی گلگون حسین / مانند خورشیدی  
شگفت / هر قطره خون حسین» (حداد،  
۱۳۷۷:۲۳۴)

علی اصغر نصرتی نیز در شعر «پرستوی دلم»، آنجا که به توصیف واقعه کربلا می‌پردازد، شور و اشتیاق خود را به امام حسین(ع) چنین بیان می‌کند:

«... در میان کوچه‌های شهر ما / اشک می‌ریزند مردم با حسین / کاش در آن روز سخت کربلا / با تو بودم با تو آری یا حسین» (همان: ۲۳۷).

### حضرت عباس(ع)

یکی دیگر از شخصیت‌هایی که در شعر عاشورایی کودک با او مواجه می‌شویم، حضرت عباس(ع) است، او که برادر و یار باوفای امام شهیدان بود، در واقعه عاشورا به خاطر رشادت‌های فراوانش به شخصیتی بی‌بدیل در تاریخ تشیع تبدیل شد. شاعران کودک تلاش کردند شخصیت برجسته این مبارز سلحشور را به خوبی در شعرهایشان ترسیم کنند و چهره واقعی او و شجاعت‌هایش را به کودکان نشان دهند. شخصیت و عملکرد حضرت عباس(ع) این گونه در شعر یکی از شاعران کودک و نوجوان نشان داده شده است:

باز هم عباس سوی آب رفت  
در میان تیرگی مهتاب رفت  
تیر خشم آمد به چشم مشک رفت  
آب از چشمان او چون اشک رفت  
ناگهان عباس، شعر ناب شد  
قطره‌های خون او مهتاب شد  
باز فصل خون مهتاب آمده  
باز هم عباس بی آب آمده  
باز عباس دلاور تیر خورد  
رو به سوی خیمه‌ها آبی نبرد  
کودکان در انتظار مشک آب  
اسب، بی عباس آمد بی شتاب

(ابراهیمی، ۱۳۷۸:۱۷)

همان گونه که ملاحظه می‌شود، در این منظومه، شخصیت حضرت عباس - که به سقای تشنه لبان شهرت یافت - و تلاش او برای رساندن آب در واقعه عاشورا به خوبی نشان داده شده است و مخاطب کودک با خواندن این شعر می‌تواند نقش حضرت عباس(ع) را در این واقعه دریابد.

افشین علا از دیگر شاعران کودکانه‌سرای پس از انقلاب در شعر «اشک و آب» به توصیف سیمای حضرت عباس(ع) در عاشورا می‌پردازد و این گونه می‌سراید:

«مثل باد در صحرا / در شتاب بودی تو /  
سوی نهر می‌رفتی / فکر آب بودی تو / ...  
تا که پیش چشم تو / رودخانه پیدا شد /  
خنده بر لب روید / اخم چهره‌ات وا شد /  
تشنه بودی و لب را / ذره‌ای نکردی تر / از تو  
تشنه‌تر بودند / بچه‌های پیغمبر ...» (حداد،  
۱۳۷۷:۲۵۴)

### حضرت زینب(س)

از دیگر شخصیت‌هایی که در ادبیات عاشورا نقش والا و محوری دارد حضرت زینب(س)، پیام‌رسان واقعه دل‌خراش کربلاست. شاید اگر این بانوی مکرمه نبود، حوادث کربلا این گونه برای شیعیان تشریح نمی‌شد و راز جنایات یزید و یزیدیان در نینوایماند.

حضرت زینب(س) در سال ششم هجرت در روز پنجم جمادی‌الاول به دنیا آمد. بعد از آنکه حضرت تولد یافت، مادرش حضرت زهرا(ع) او را نزد امیرالمؤمنین بردند و فرمودند: او را نام‌گذاری کن. حضرت علی(ع) پاسخ دادند: «در نام‌گذاری‌اش به رسول خدا سبقت نمی‌جویم.» چون حضرت در سفر بود. بعد از مراجعت حضرت علی(ع) از او خواست بر این مولوده نام‌گذاری کند. پیامبر فرمود: من در نام‌گذاری این فرزند بر خدای خودم سبقت نمی‌گیرم. در این حال جبرئیل امین نازل شد و سلام خداوند را به نبی اکرم(ص) رساند و گفت: این مولود را (زینب) نام بگذارید؛ زیرا خداوند این نام را برای او انتخاب فرموده است. سپس از مصائب آینده زینب(س) برای رسول خدا(ص) شرح داد. حضرت با شنیدن چنین خبری گریه کرد و فرموده: هر کس بر مصائب این دختر گریه کند مثل کسی است که بر برادرانش حسن و حسین گریه بنماید. (العیون العبری، ۳۰۵)

زینب در لغت به معنای درخت نیکومنظر است و ممکن است مخفف از «زین اب» باشد؛ یعنی زینت پدر. او در فصاحت و بلاغت و عبادت همانند پدر و مادرش بود. (ر.ک. رسولی محلاتی، ۱۳۷۳:۵)

به خاطر شجاعت این بانو که خواهر امام حسین(ع) است، بسیاری از شاعران در توصیف او، قلم‌فرسایی کردند و نقش بی‌بدیل ایشان را در حماسه عاشورا بیان داشتند:

کعبه بی نام و نشان می‌ماند اگر زینب نبود  
بی‌امان دار الامان می‌ماند اگر زینب نبود  
گرچه دادند انبیا هر یک نشان از کربلا  
کربلا هم بی‌نشان می‌ماند اگر زینب نبود  
مکتب سرخ تشیع کز غدیر آغاز گشت  
تا ابد بی‌پاسبان می‌ماند اگر زینب نبود  
کرد اسلام حسینی از یزیدی را جدا  
بی‌امیر کاروان می‌ماند اگر زینب نبود



شد گلستان کربلا، از لاله‌های احمدی  
حق و باطل تو آمان می‌ماند اگر زینب نبود  
شعله عالم فروز نهضت سرخ حسین  
زیر خاکستر نهان می‌شد اگر زینب نبود  
خون ثارالله رمزی را که بر صحرا نوشت  
تا ابد بی‌ترجمان می‌ماند اگر زینب نبود  
(مرادی بینوندی، ۱۳۸۸: ۱۵۸)

صاحب مجموعه شعر «فصل خون  
مهتاب» در این منظومه از ماتم‌داری  
حضرت زینب(س)، پیام‌آور حماسه عاشورا،  
این گونه یاد می‌کند:

روز رفت و بار دیگر شب رسید  
موقع تنهایی زینب رسید  
کربلا پر شد ز آه و ناله‌ها  
در کنار خون سرخ لاله‌ها  
زیر لب می‌خواند زینب غمزده  
شب شده شام غریبان آمده  
یک تن بی‌سر در آغوش من است  
ماتمی چون کوه، بر دوش من است  
ای گل زیبای من، پرپر شدی  
ای حسین من، چرا بی‌سر شدی؟

(ابراهیمی، ۱۳۷۸: ۲۶)  
حمید هنرجو نیز با زبان شعر کودکانه به  
تشریح شخصیت این بانوی بزرگ کربلا  
پرداخته است:  
خاک از قدم‌های تو شد سبز  
کوه سیاهی از تو لرزید  
وقتی که اصغر آب می‌خواست  
از هر دو چشمش اشک جوشید  
(حداد، ۱۳۷۷: ۲۷۱)

هنرجو، خطبه‌های کوبنده و افشاگرانه  
حضرت زینب(س) را که در راستای رسالت  
عظیم این بانوی شجاع و داغدار است در  
شعر زیر به تکرگی تشبیه می‌کند که بر  
سر یزیدیان می‌بارد و آن‌ها را از رسیدن به  
اهدافشان باز می‌دارد:

زینب تو بانوی بهاری  
جاری است دریا در صدایت  
آن روز پشت کفر خم شد  
زیر تگرگ خطبه‌هایت

(همان: ۲۷۱)  
حضرت زینب در خطبه آتشین خود چنین  
می‌فرماید: «... به خدا سوگند نمی‌توانی  
یاد ما را محو کنی، چراغ الهام‌بخشی‌مان  
را بمیرانی، ننگ و عار اعمال را بزدايي.  
رای و اندیشه‌ات سست و روزگارت کوتاه

و جمع تو زائل شدنی است» (طاووس،  
۱۳۸۵: ۱۴۳).

### حضرت علی اکبر(ع)

او که جوانی رشید و در گفتار و کردار و  
صورت و سیرت شبیه‌ترین خلق به رسول  
خدا(ص) بود، نخستین کسی است از  
بنی‌هاشم که در روز عاشورا به میدان رفت  
و در آن زمان جوانی ۲۶ ساله بود. شیخ  
مفید گفته است: «حسین - علیه‌السلام -  
شش فرزند داشت. از جمله آن‌ها علی بن  
حسین، اکبر که مادرش شاه زنان دختر  
خسرو یزدجرد بود» (قمی، ۱۳۷۵: ۷۲۱).  
شرح دلاوری او در میدان جنگ در  
حالی که بسیار تشنه بود مضمون اشعاری  
چند قرار گرفته است. جعفر ابراهیمی از آن  
دسته از شاعرانی است که در منظومه‌اش از  
این شخصیت برجسته یاد کرده تا آسوه‌ای  
باشد برای نوجوانان و جوانان کشورمان. او  
به نقش حضرت علی اکبر(ع) در روز عاشورا  
این گونه اشاره می‌کند:

تا علی اکبر ز میدان بازگشت  
آسمان سرشار رمز و راز گشت  
تشنه هستم، زخم دارم ای پدر  
خسته هستم، بی‌قرارم ای پدر  
ای پدر جان! تشنه‌ام آبی بده  
کاسه‌ام از نور مهتابی بده  
بوسه‌ای بر او حسین، آرام داد  
بر زبان او زبانش را نهاد

(ابراهیمی، ۱۳۷۸: ۲۱)  
در کتاب «منتهی‌الأمال» به گفت‌وگوی  
علی اکبر(ع) با پدر بزرگوارش امام  
حسین(ع)، این گونه اشاره شده است:  
«به‌سوی پدر شتافت و عرض کرد که ای  
پدر جان تشنگی مرا گشت و سنگینی  
اسلحه مرا به تعب عظیم افکند. آیا ممکن  
است شربتی آب سقایت فرمایی...» (قمی،  
۱۳۷۶: ۴۴۳).

همچنین «محمود پورهاب» یکی دیگر از  
شاعران پس از انقلاب که در سرودن اشعار  
مذهبی برای کودکان کوشش فراوانی کرده  
است، در توصیف حضرت علی اکبر(ع)  
چنین می‌سراید:

کینه و دشمنی حساب نداشت  
جز دلی پاره، آفتاب نداشت  
چشم نارنجی‌اش که غمگین بود

بوی پروانه‌های خواب نداشت  
لشکر دین چقدر تنها بود  
جز علی اکبرت عقاب نداشت  
اکبرت تشنه بود و می‌جنگید  
وسعت تشنگی حساب نداشت  
(حداد، ۱۳۷۷: ۲۶۰)

او حضرت علی اکبر(ع) را به عقابی تیزپرواز  
تشبیه می‌کند و می‌گوید که در لشکر امام  
حسین(ع) فقط همین یک عقاب بود.

### حضرت قاسم(ع)

او که فرزند حضرت امام حسن(ع) است،  
هنگام شهادت نوجوانی ۱۳ یا ۱۴ ساله بود.  
در دو سالگی پدر بزرگوار خود را از دست  
داد و در دامان عمویش امام حسین(ع)  
پرورش یافت. وی از جمله افرادی است که  
در حماسه عاشورا حضوری پررنگ داشته  
است و شاعران کودک نیز کوشیده‌اند که  
در اشعار خود شجاعت و وفاداری او را  
بنمایانند.

«علی اصغر نصرتی» از شاعران معاصر،  
شعری دارد با عنوان «مهربان‌ترین پرنده»  
در وصف حضرت قاسم(ع):

از میان این قفس که زندگی است  
مهربان‌ترین پرنده نیز رفت  
او مگر در آسمان چه دیده بود  
که از این زمین خسته تیز رفت  
پیش از آنکه پر بگیرد از زمین  
مثل یک پرنده گوشه‌ای نشست  
خیره شد به چشم خسته حسین  
یعنی ای عموی من اجازه هست؟

(حداد، ۱۳۷۷: ۲۶۱)  
جعفر ابراهیمی در توصیف حضرت  
قاسم(ع) سروده است:

آه قاسم سوی میدان رفت باز  
او به جنگ آن پلیدان رفت باز  
باز هم افتاد در میدان جنگ  
باز خاک کربلا شد سرخ‌رنگ

(ابراهیمی، ۱۳۷۸: ۲۰)  
در ابیات زیر نیز به سؤال امام حسین(ع)  
از حضرت قاسم(ع) که «فرزندم، مرگ در  
نزد تو چگونه است؟» اشاره شده است:

ای عمو جان، جان من مشتاق جانان من است  
نوبت جانبازی و هنگام جولان من است  
اذن می‌دانم بده زیر که بابایم حسن  
در جنان، چشم انتظار دادن جان من است



اکبرت از دست جدش در جهان سیراب شد اینک اینک نوبت لب‌های عطشان من است ای عمو جان بهر من مرگ از غسل شیرین تراست مرگ با عزت به عالم بهتر از جان من است خون من جان عمو رنگین تر از خون تو نیست خون‌بهای خون تو چون حیّ سبحان من است (بهتاش، ۱۳۷۸: ۳۹۲)

### نگاهی به شهدای کودک در حماسه بزرگ عاشورا

در بررسی تاریخ کربلا و حماسه عاشورا با کودکانی مواجه می‌شویم که در این حماسه نقش آفرینی کردند و حتی نوشته‌اند از سسی و یک کودک حاضر در کربلا، حدود نه یا ده کودک به شهادت رسیدند که گذشته از علی اصغر(ع) - که نام‌آورترین آن‌هاست - می‌توان به کودکان خردسال دیگری چون عبدالله بن الحسین (عبدالله... ارضیع)، ابوبکر بن الحسن(ع)، عبدالله بن

الحسن(ع) (عبدالله اصغر)، محمد بن مسلم ابن عقیل(ع) و محمد بن سعید بن عقیل(ع) اشاره کرد. در این قسمت از مقاله برای پرهیز از اطالۀ کلام فقط به بازتاب شهادت علی اصغر(ع) و عمرو بن حارث که در شعر شاعران نمود بالایی دارد، می‌پردازیم.

#### ۱. علی بن الحسین (علی اصغر)

او در حادثۀ کربلا شش ماه یا حدود یک سال داشت. امام حسین(ع) حضرت علی اصغر را بوسید و وداع کرد. ام‌کلثوم خواهر امام حسین(ع) به امام گفت: این کودک تشنه است جرعه آبی به او بنوشان. امام حسین(ع) دوباره علی اصغر را در آغوش گرفت و به سوی دشمن رفت و فرمودند به این کودک شیر خوار رحم کنید و ببینید که از شدت تشنگی چگونه دهانش را باز و بسته می‌کند. در همین هنگام، حرم‌له با تیری کودک را در آغوش پدر ذبح کرد(ر.ک. سماوی، ۱۳۷۸: ۴۹). بهتاش این منظرۀ جان‌سوز را این‌گونه به

تصویر کشیده است: تا گلوی نازکش از هم گسیخت خون او بر صورت خورشید ریخت بس که این خون بر فضا پاشیده بود آسمان هم لاله‌گون گردیده بود خنده بر لب داشت آن خونین دهن با پدر گردید سرگرم سخن شیرخوارت شیر از داور گرفت جای در آغوش پیغمبر گرفت

(بهتاش، ۱۳۷۸: ۳۹۸)

چگونگی به شهادت رسیدن حضرت علی اصغر به‌گونه‌ای بوده است که تاریخ نیز در برابر بی‌رحمی‌های یزید و شمر و دیگر یزیدیان انگشت حیرت به دندان می‌گیرد. محمدعلی محمدی در شعری با عنوان «خورشید محبت» در توصیف حضرت علی اصغر(ع) می‌گوید: وقتی که با لب‌های تشنه بر خاک غلتیدی در آن روز انگار چشم آسمان هم پر شد از اشک از ماتم و سوز

شماره	نام انبیا و ائمه اطهار	مناسبت عزاداری یا موضوع آن	نشانی روایت در کتب حدیث عربی	نشانی روایت در کتاب عزای حسینی
۱	پیامبر و اصحاب	از جمله اخبار ترسانندۀ پیامبر(ص) النبوة ماوردی	اقتناع اللائم/ محسن امین، ص ۳۰، به نقل از اعلام النبوة/ ماوردی، ص ۸۳	۲۰-۳۱
۲	حضرت علی و فاطمه(ع)	در کنار شط فرات/ گریه فاطمه	بغیة النبلاء، ص ۱۵۴ به نقل از نشوار المحاضرة، ص ۱۵۴	۳۱-۳۸
۳	اهل حجاز هنگام جدایی	گریه محمد بن حنفیه/ زنان عبدالمطلب	مجالس السنیة، ص ۴۲ و ۴۵	۳۹
۴	امام حسین(ع)	خبرهای غمبار و گریه اهل بیت	اقتناع اللائم، ص ۱۰۸، مجالس السنی، ص ۷۸، کامل الزیارات؛ ارشاد مفید؛ مؤسسه آل نبی، ص ۷۱۸	۵۳
۵	امام سجاد	در مجلس‌ها و به وقت طعام	زین العابدین از عبدالعزیز، ص ۸۲، مجالس السنیة، ص ۱۴۶	۱۶۴
۶	امام باقر	مجالس و دعوت وصله شعرا	نهضة الحسین، ص ۱۵۲، کامل ابن قولویه، ص ۱۷۴	۱۷۲
۷	امام صادق	در مجالس مختلف	اقتناع اللائم، ص ۹۷ و الرجال کشی	۱۷۷
۸	امام کاظم	روایاتی دقیق و کم، به نقل از فرزندان	در کتاب‌های گوناگون	۱۸۶
۹	امام رضا	روایاتی از اخبار حزن و نوحه	امالی صدوق/ قصیده تائبه دعبیل؛ الشیعة و الحاکمون، ص ۱۷۸	۱۸۸
۱۰	امام جواد	گریه بقیه ائمه هدی در مصیبت جدشان	در زمان امام جواد نسبتاً آزادی بیشتری احساس می‌شد.	۱۹۶
۱۱	امام نقی	فراز و نشیب بسیاری داشت که این تابع	در زمان این سه امام مجالس بسیار مخفیانه بوده است.	۱۹۸
۱۲	امام عسگری	سیاست سلطۀ آنان بود.		
۱۳	امام مهدی(عج)			

وقتی علی اصغر را دشمن به تیر خود نشان رفت انگار خورشید محبت یک بار از بام جهان رفت

(حداد، ۱۳۷۸: ۲۶۳)

علی اصغر نصرتی در وصف حضرت علی اصغر (ع) این چنین می گوید:

دلواپس چشم‌های بابا بود آن مرد که خسته بود و تنها بود می‌خواست که یاری‌اش دهد اکنون آن لحظه انتظار اینجا بود او بود و دل شکسته بابا چشمان به خون نشسته بابا باید بروی تو هم علی اصغر در پیش نگاه خسته بابا با دست پدر روانه شد اصغر یک مصرع عاشقانه شد اصغر در دفتر قلب مردم دنیا یک قصه جاودانه شد اصغر

(حداد، ۱۳۷۸: ۲۶۴)

در توصیف شهادت حضرت علی اصغر (ع) شاعران کودک و نوجوان بسیاری قلم‌فرسایی کرده‌اند که از ذکر شعر ایشان پرهیز و به آوردن نام و اثر یکی از ایشان بسنده می‌شود. مصطفی رحمان دوست اشعاری دارد که یکی از آن‌ها با نام «از علی اصغر خجالت می‌کشتم» و دیگری «لالایی عاشورا» از ماندگارترین اشعار عاشورایی کودک به‌شمار می‌آیند. او در این شعرها توانسته است به زیبایی هر چه تمام‌تر به توصیف حماسه بزرگ کربلا بپردازد و با بیانی ساده و روان بسیاری از عاشوراییان را به مخاطب کودک و نوجوان معرفی کند.

## ۲. عمروین جُناده

او زمانی این حماسه را آفرید که ۹ یا ۱۱ ساله بود. وی با تشویق مادرش مهبای جنگ در رکاب امام حسین (ع) شد و پدر بزرگوارش نیز پیش از او خلعت رعنای شهادت را بر تن کرده بود. امام وقتی دیدند که این نوجوان عازم کارزار شده است فرمودند: پدر این نوجوان شهید شده... شاید مادرش راضی نباشد که به میدان رود. عمرو عرض کرد: مادرم دستور داده که به میدان بروم و لباس جنگ بر من پوشانده است. وقتی این نوجوان عاشق و با معرفت اذن میدان گرفت، چنین رجز می‌خواند که: «میری حسین و نعم الامیر...» یعنی؛ رهبر من حسین است چه رهبر خوبی، مایه شادی دل پیامبر بشارت‌دهنده

و انذارکننده علی و فاطمه (ع) والدین او هستند، آیا برای او همانندی می‌توانید بیابید؟ درخشش او همچون آفتاب صبحگاهی و ماه شب چهارده است. این نوجوان پس از نبرد جنانه به دست دشمن به شهادت رسید. دشمن سر این نوجوان را برید و به‌طرف لشکرگاه امام حسین (ع) افکند. مادر بزرگوارش، بحریه بنت مسعود الخزرجی، که پس از افتخار همسری شهید به مدال فخر مادر شهید نیز نائل شده بود، سر پسر را گرفت و گفت: احسنت ای پسرک من، ای مایه شادمانی دل من، و ای روشنی چشم من، و سپس با خشم تمام سر مطهر را به سوی مردی از سپاه دشمن افکند و او را کشت و آن‌گاه عمود خیمه را گرفت و بر آنان حمله کرد (ر.ک. مامقانی، ۱۳۷۷).

قیصر امین‌پور در منظومه زیبای «ظهر روز دهم» که برای کودکان و نوجوانان سروده این کودک بزرگ را معرفی کرده است. امین‌پور در بخش اشاره همان منظومه درباره این کودک می‌نویسد: «آنچه این ماجرا را زیباتر و شگفت‌تر می‌نماید این است که گویی خود نیز گمنامی را دوست‌تر داشته‌است؛ زیرا بر خلاف رسم معمول عرب که مبارزان در هنگام ورود به میدان خود را با اصل و نسب و ایل و تبار در رجزهایشان معرفی می‌کنند، او به جای اینکه به نام و نشان و قوم و قبیله‌اش بنازد با افتخار فریاد می‌زند: «من آمم که امیر و مولایم حسین (ع) است و چه نیک مولایی! او خود را ذره‌ای می‌داند که می‌خواهد در خورشید عاشورا محو شود...» (امین‌پور، ۱۳۷۳: ۲۰)

به همین دلیل در آغاز سرایش منظومه «ظهر روز دهم» امین‌پور درباره داستان منظومه‌اش می‌نویسد: «داستان کودکی تنها که شمشیر بلندش / کربلا را شخم می‌زد» (همان: مقدمه).

در این منظومه نقش کودک بسیار پررنگ است و امین‌پور واژه «کودک» را در این شعر بلند به فراوانی ذکر می‌کند و البته تکرار واژه «کودک» هدف اصلی و غایی امین‌پور است که می‌خواهد بیان کند قهرمان این قصه قشنگ «کودک» است:

«... دشت، ساکت گشت / ناگهان هنگامه شد در دشت / ... کودکی از خیمه بیرون جست / کودکی شور خدا در سر / با صدایی گرم و روشن / گفت: / اینک من یآوری دیگر! / آسمان مات و زمین حیران / چشم‌ها از یکدیگر پسران: «کودک و میدان؟! / کار کودک خنده و بازی است! / در دل این کودک اما شوق جانبازی است! /

ادامه مطلب در وبگاه مجله

## منابع

۱. ابراهیمی، جعفر؛ فصل خون مهتاب، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۸.
۲. امین‌پور، قیصر؛ ظهر روز دهم، سروش، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۳.
۳. طلوع، الحسن الحسینی، اشک و افسوس (ترجمه لیهوف)، خورشید، تهران، ۱۳۸۵.
۴. بهتاش، بدالله؛ روایت کربلا، چاپ هفتم، سبحان، تهران، ۱۳۷۸.
۵. حداد، حسین؛ نان و پروانه، محراب قلم، چاپ اول، ۱۳۷۷.
۶. حداد، حسین و سلمانی ناهید؛ ادبیات و هنر دینی، نیستان، تهران، ۱۳۸۱.
۷. خاقانی، افضل‌الدین؛ دیوان خاقانی شروانی، به سعی ضیاءالدین سجادی، زوار، چاپ ششم، تهران، ۱۳۸۷.
۸. خواجوی کرمانی، کمال‌الدین؛ دیوان اشعار، به اهتمام احمد سهیلی خوانساری، فردوسی، تهران، ۱۳۴۱.
۹. دولت‌آبادی، پروین؛ بر قایق ابرها، نقره، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۳.
۱۰. رهنما، زین‌العابدین؛ زندگانی امام حسین (ع)، انتشارات زوار، جلد ۱، تهران، ۱۳۷۸.
۱۱. رسولی محلاتی، سیدهاشم؛ نگاهی کوتاه به زندگی زین‌کبری (ع)، بوستان کتاب، قم، ۱۳۷۳.
۱۲. سماوی، محمد؛ ابصار العین فی النصار الحسین، اسوه، تهران، ۱۳۸۸.
۱۳. شهرستانی، سید صالح؛ عزای حسین از زمان آدم تا زمان ما، انتشارات زوار، قم، ۱۴۰۳.
۱۴. صفای ذبیح‌الله؛ تاریخ ادبیات در ایران، چاپ دهم، فردوسی، تهران، ۱۳۷۹.
۱۵. علی‌پور، منوچهر؛ از شعر به کودکی، تیرگان، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۱.
۱۶. فردوسی، ابوالقاسم؛ شاهنامه، به کوشش سعید حمیدیان، جلد ۱، قطره، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۶.
۱۷. قمی، عباس؛ منتهی‌الامال، جلد ۱، مصطفی، چاپ اول، قم، ۱۳۸۰.
۱۸. مامقانی، محمدرضا؛ تنقیح المقال، جلد ۲، مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام لاحیاء التراث، قم، ۱۳۸۹.
۱۹. مجاهدی، محمدعلی؛ شکوه شعر عاشورا، مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، قم، ۱۳۷۹.
۲۰. مرادی پینوندی، نادر؛ حضرت زینب (س) قهرمان صبر و شکیبایی، سیره افضل، چاپ اول، ۱۳۸۸.